

اخبار

اهمیت المان ایرانی در بازی‌های

رایانه‌ای

یک بازی‌ساز رایانه‌ای معتقد است که هنوز راه زیادی در رقابت با بازار خارجی داریم، ولی اگر بازی‌های ایرانی گیم پلی جدیدی داشته باشند می‌توانند امید به موفقیت در بازار خارج را داشته باشند.

مجتبی رجبی، بازی‌ساز رایانه‌ای از حدود سال ۸۵ وارد این عرصه شده و به ابتدا به قصد ساخت بازی‌های کوچک PC فعالیت داشته است ولی در ادامه به سمت بازی‌های موبایلی رفته است. بازی ماشین آنلاین همان طور که از سمتش مشخص است یک بازی سبک رانندگی است که قسمت اصلی آن بخش آنلاین است. کاربرها به صورت دو به دو با هم رقابت می‌کنند و در دسته‌های کوچک ۲۵ تایی به نام لیگ به صورت روزانه با هم رقابت می‌کنند. گلمراد یک بازی جوهر کردنی است که برای بازار ایران لوکلایز شده است. شخصیت‌ها و دیالوگ‌های ایرانی، اینتم‌های ایرانی چیزهایی است که شما در بازی‌های جوهر کردنی خارجی پیدا نمی‌کنید. اگرچه بازی از نظر آرت قابل رقابت با بازی‌های خارجی است. مجتبی رجبی درباره ساخت بازی و قدرت ساخت بازی‌های ایرانی می‌گوید:

اظهار کرد: به نظر من تولید بازی‌های با کیفیت که قابل رقابت در بازار خارج هستند راه چاره است. برای بازار داخلی که مشکل آن‌چنانی نداشتیم یعنی ابزارها هستند که نهایتاً با فیلترشکن باز می‌کنیم و از آن استفاده می‌کنیم. برای انتشار در بازار خارج مجبور شدیم با کسانی که خارج از ایران هستند که با به صورت بیزینسی این کار را انجام می‌دهند یا به صورت فامیلی، خانوادگی و دوستی ارتباط داشتیم کار انتقال پول را انجام دهیم اما همچنان مشکلاتی است. مثلاً کسانی که در کشورهای خاصی هستند ممکن است مالیات به آنها تعلق بگیرد. مدام در حال سوئیچ کردن بین اکانت افراد مختلف هستیم ولی همچنان مشکلات وجود دارد.

این بازی‌ساز ادامه داد: برای مسئولین پیشنهاد خاصی نمی‌توانم داشته باشم فقط کاری کنند که ما تحریم نشویم. بعید می‌دانم بازی بعد از تحریم بتوانند انجام بدهند، چون این کار اگر به صورت سیستماتیک انجام بشود یعنی مثلاً بازی‌ها را به صورت سیستماتیک در خارج منتشر کنند زیرا تعداد زیاد می‌شود بالطبع کشورهای خارجی متوجه می‌شوند. وقتی آمار و ارقام تبادل مالی بالا می‌رود احتمالاً متوجه می‌شوند و جلوی آن را می‌گیرند.

او درباره قیاس بازار داخلی و بازار خارجی گفت: هنوز راه زیادی داریم. در قسمت فنی و خصوصاً آرت خیلی رقابت سخت است. ولی اگر بازی‌های ایرانی گیم پلی جدیدی داشته باشند می‌توانند امید به موفقیت در بازار خارج داشته باشند.

رجبی افزود: بعضی از شرکت‌ها خیلی خوب دارند کار می‌کنند. ما هنوز به صورت کلی خیلی راه داریم. خیلی چیزها ما شاید به صورت انفرادی خوب باشیم ولی به صورت تیمی خوب نیستیم. بعضی چیزها را علم‌اش را به صورت کامل نداریم. همه به صورت خیلی پله‌ای رفته‌اند و خیلی کم یاد گرفته‌اند. آن زمانی که باید صرف شود مثلاً یک شرکتی در خارج ۲۰ سال کار می‌کند ما این‌گونه نیستیم. در عرض یک سال می‌خواهیم یک شرکت تولید بکنیم. اینکه همه اعضا با هم هماهنگ باشند و بهترین کیفیت و خروجی را داشته باشند این در ایران وجود ندارد. به همین دلیل رقابت خیلی سخت است. حتی از تولید هم که بگذریم از لحاظ شناخت بازار، تبلیغات و از خیلی لحاظ‌ها حتی اگر محصول خوبی هم تولید کنیم نحوه تعامل با ناشران خارجی را بلد نیستیم. به نظرم هنوز عقب هستیم. ولی بعضی از شرکت‌ها شروع کرده‌اند و حرکت‌های خوبی هم شده و امیدوارم که ادامه داشته باشد. این بازی‌ساز درباره استفاده از المان‌های ایرانی در بازی‌هایش گفت: لوکلایز بودن بازی برای ما مهم است و اینکه کسانی که ایرانی در بازی‌های المان‌هایی که کسانی که داخل ایران هستند در بازی‌های خارجی نمی‌بینند. به تفاوت بین بازی ایرانی و خارجی بسنده می‌کنیم و سعی می‌کنیم المان‌های ایرانی را بیشتر استفاده کنیم.

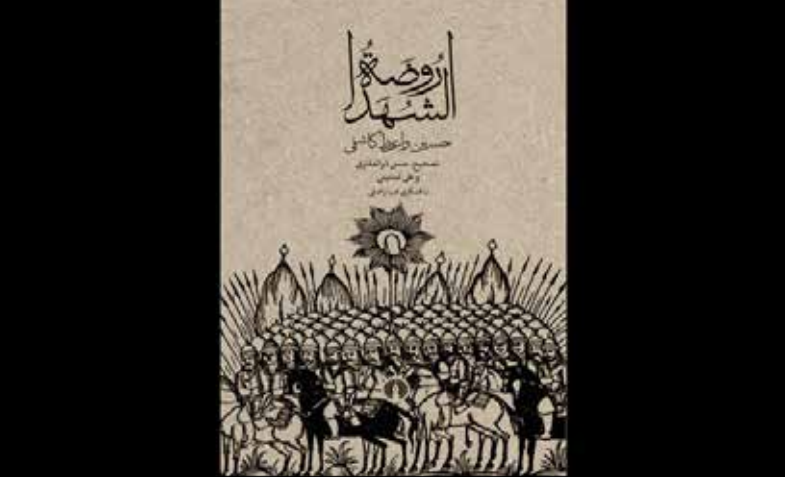
ترجمه دیگری از «مردی به نام آوه» منتشر شد

زمان «مردی به نام آوه» نوشته فردریش بکمن به‌تازگی با ترجمه انگر قاری نیت توسط انتشارات نسل توانبخش منتشر و راهی بازار نشر شده است. این رمان، اثری است اولین کتاب نویسنده سوئدی اش بوده و او را به شهرت رسانده است و اتفاقات داستانش حول شخصیت یک پیرمرد قرار دارد. فردریش بکمن متولد سال ۱۹۸۱ در استکهلم

است که تا سال ۲۰۰۷ به عنوان راننده کامیون، پیشخدمت و کارگر رستوران و یا راننده لیفتراک کار کرده‌است.او تحصیلات دانشگاهی اش را ناتمام گذاشته و بعد از امتحان همه مشاغل مورد اشاره، در یک روزنامه مشغول به کار شد. اما بعد از مدت کوتاهی از این کار هم استعفا داده و پس از آن به کسوت خیرنگار آزاد در آمده است. او با یک زن ایرانی ازدواج کرده و ۲ فرزند دارد.رمان «مردی به نام آوه» ۴۰ بخش دارد و با زبان طنز نوشته شده است. شخصیت اصلی که مانند خیلی از مردان سنتی و دهه های میانی قرن بیستم، با مقررات زندگی کرده، گویی در این سال ها به انتهای راه و نامیدی رسیده است. پیرمرد قصه که آوه نام دارد، شخصیتی کم حرف و بسیار منتظم است که عادت به سخت کوشی دارد و به این نکته باور دارد که فقط احقنم ها هستند که به رایانه اعتماد می‌کنند.این کتاب برای اولین بار در سال ۲۰۱۲ به چاپ رسیده و تا امروز به ۲۵ زبان دنیا ترجمه شده است. در سال ۲۰۱۶ نیز فیلمی سینمایی با اقتباس از آن ساخته شده است. ترجمه علیاکبر قاری نیت از این کتاب با قیمت ۳۵۲ صفحه و قیمت ۴۵ هزار و ۹۰۰ تومان منتشر شده است.

دلایلی برای یک ماندگاری پنج قرنی؛

آیا روایت‌های «روضه‌الشهدا» مجعول است؟



صحیح تاریخ در میان باشد؛ باید احساسات مذهبی را نیز نشان دهد؛ این جااست که به سوی ساختگی بودن می‌رود تا ماجرا را غم انگیزتر، پرچاندتر و به گریزتر نشان دهد. وی انگیزه‌های مادی برای گرم کردن بازار سخن یا انگیزه‌های به ظاهر معنوی مثل گریاندن بیشتر مردم، سوزناک‌تر نشان دادن حادثه عاشورا و جلب توجه مردم به امام حسین (ع) وقایعی را علل جعل می‌داند. از سویی ارتباط عاطفی استوار و عمیق مردم با این واقعه، نقش مهمی در سکار تحریف داشته است.

منتقدان «روضه‌الشهدا»

برخی از دین‌پژوهان نقدهایی بر «روضه‌الشهدا» نوشته‌اند. میرزا حسین نوری (۱۲۵۴–۱۳۲۰) کتاب «لؤلؤ و مرجان در آداب منبر» را به درخواست یکی از علمای هند در شکایت از روضه خوانان هند و ماجرای دیدار وی با شیخ عبدالحسین تهرانی و دیدن کتاب اسرار المشاهده و اخبار کذب آن نوشت.

میرزا عبدالله افندی در ریاض‌العلماء و حیاض‌الفصلا، نیز به بخشی از تحریف‌های کتاب اشاره دارد. حاج شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ ق) از شاگردان میرزای نوری در «نفس‌المهموم» براساس متون صحیح و قدیم مانند ابومخنف قنوح، مقاتل الطالیین، حادثه کریلا را بازسازی کرد. میرزا محمدباقر آینی قایبی (۱۲۳۸–۱۳۱۲) در «کبریا الاحمر» و سید محمد امین در کتاب «التنزیه لاعمال‌الشئیه» درباره عزاداری‌ها و اصلاح روضه خوانی تلاش کردند. سید محمد امین اکثر روایات این کتاب را برگرفته از کتب غیرمشهور و غیرقابل اعتماد و بدون پشتوانه تاریخی می‌دانند. ترجمه کتاب در سال ۱۳۲۲ شمسی به قلم جلال آل احمد انتشار یافت.

علی بن محمد تقی قزوینی نجفی در «اسرار المصاب و نکت الونائب فی ذکر غراب‌ب ماضب الاطایب من آل ابی‌طالب» (تالیف ۱۳۲۴ ق) کتاب خود را در رد کسانی نوشت که در نقل وقایع عاشورا، روایات ساختگی و جعلی نقل می‌کنند و در عزاداری‌ها کارهای موهن انجام می‌دهند.

ابوالحسن شعرانی نیز در مقدمه «روضه‌الشهدا»

اگر کتاب «روضه‌الشهدا» سراسر دروغ است؛

در این صورت رمز دواوم و بقای آن در فرهنگ شیعی و طی پانصد سال چیست و چرا عموم مردم و اهل منبر همچنان در روضه‌خوانی‌ها از آن استفاده می‌کنند؟

همزمان با دهه اول ماه محرم و عزاداری سرور و سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع)، انتشارات علمی و فرهنگی متن کامل کتاب «روضه‌الشهدا» اثر حسین واعظ کاشفی را با تصحیح دکتر حسن ذوالفقاری روانه بازار کتاب کرد. «روضه‌الشهدا» که در اواخر عهد تیموریان نوشته شد، بسیار در فرهنگ ایران اثرگذار بود و پایه روایی تعزیه شد. پس از تالیف این کتاب مقتل خوانان از روی آن می‌خواندند به همین دلیل نیز اصطلاح «روضه خوانی» باب شد. روضه خوان یعنی کسی که از روی «روضه‌الشهدا» مصائب روز عاشورا را می‌خواند.

این کتاب علیرغم تاثیرگذاری بسیاری که به همراه داشت، اما مورد انتقاد تعدادی از علمای دین قرار گرفت. دکتر ذوالفقاری طی گزارشی نگاهی داشته است به این انتقادات و پاسخی که می‌توان به آنها داد. متن مصحح کتاب «روضه‌الشهدا» را در ادامه بخوانید:

کتاب «روضه‌الشهدا» نوشته نویسنده بزرگ قرن نهم حسین واعظ کاشفی، از جمله قدیمی‌ترین مقتل‌های فارسی است که طی پنج قرن از پرخواننده‌ترین و موثرترین کتب‌های دینی و مذهبی در ایران بوده است. «روضه‌الشهدا» چنان شهرتی در جهان تشیع پیدا کرد که نسخ آن در تمام کتابخانه‌های جهان اسلامی یافت می‌شود. شهرت کتاب چنان فراگیر شد که به زبان‌های هندی، دکنی و ترکی هم ترجمه شد.

روضة‌الشهدا کتاب تاریخ صرف و مستند تاریخی قابل ارجاع مولفان نیست. کتابی ادبی از نوع رمان تاریخی استدها مقتل نگار به سبک و تقلید از آن اثری را پدید آوردند. نثر ممتاز آن جایگاه کتاب در تاریخ ادبی ایران نیز غیرقابل انکار است. این کتاب را باید از جمله آثار فرهنگ عامه نیز به شمار آورد؛ زیرا سنت روضه‌خوانی با شاگردان میرزای نوری در «نفس‌المهموم» مردم گذاشت و منشأ روایی تعزیه شد. از طرفی این کتاب چالش برانگیز از یک سو در میان انبوه مشتاقان وقایع عاشورا جایگاهی ممتاز یافته و از دیگر سو اسباب نفی و رد برخی دین پژوهان را فراهم آورده است.

این کتاب همچنان که تاثیر شگرفی میان توده مردم گذاشته، انتقاد خواص و برخی دین پژوهان به خصوص طی سده اخیر را نیز به همراه داشته است. جعفریان با بررسی زمینه‌های تحریف در روایت عاشورا معتقد است: از قرن ششم به بعد، نوشته‌های تاریخی قدری سست و به مقدار زیادی قلمه‌ای و داستانی شده‌اند. احساسات مذهبی مردم با تاریخ عجین می‌شود و ادبیات که نشانه بروز احساس مردمی است، در آن به ایفای نقش می‌پردازد.

وقتی تاریخ با ادبیات و هنر آمیخته‌اش شده، دیگر نمی‌توان انتظار آن را داشت که تنها پای روایت پرواز ادیرس است. او با ادیرس همراه می‌شود تا برای توبه آماده اش کند. اما توبه از چه؟ از کدام گناه؟ مگر ادیرس تنگ را سمت آسمان نگرفت تا شبیه دیگران دستش به خون کسی آلوده نباشد؟ پس چرا این دست‌ها که به قصد قنوت بالا رفته اند، هنوز خون آلودند؟ مگر این انگشتان کج و موج که ناشیانه گچ گرفته شدند قرار نبود او را از مهملکه فراری دهند؟ پس چه شد؟ ادیرس مطمئن است خون نکرده، مطمئن است تیرش سقف آسمان را شکافته و این خون‌های ریخته شده بر صحن مسجد؛ کار هر که باشد کار او نیست. پس چرا این همه کایوس روزهایش را تیره و تار کرده است؟ شاید سکوت ظلم است و بودن در جای اشتباه ظمی بیشتر…

ادیرس می‌داند قهرمانی نیست که دیگران از او ساخته اند، خطایی هم نکرده که لابد مجازات باشد. پس باید کار را تمام کند، برود سمت صدایی که می‌خواندش… داستان تصاویر شاعرانه و خیال انگیز کم ندارد، مانند صحنه‌ای که زنی سپیدپوش در تاریک و روشن سحر به دیدار ادیرس می‌آید. یا آنجا که میرعماد ناباورانه به تضرع ادیرس در برابر کسی گوش می‌دهد. توبه و ایحی راحت نیست، دیدار هم… انسان‌ها آرام آرام‌شان را پیدا می‌کنند، با تصمیمات کوچک و بزرگ، همان جا که ادیرس می‌فهمد برای اینکه به دیگران آسیب نزند، باید به خودش زخم بزند، تا در مقابل فریاد های دیگران قادری پنهان ای داشته باشد. اسامی به کار رفته در داستان، مانند سرهنگ قادری، پهلول، داو و…طبق مستندات تاریخی به کار رفته اند و تاثیرگذاری در فضاسازی و پیشبرد داستان دارند. ایهام عمدی به کاررفته در

«چهل و یکم»؛ روایتی بازگشت گونه/ قصه عارفان و کاتبان

«چهل و یکم»؛ روایتی بازگشت گونه

پروانه حیدری

میرعماد. یکی به قصد توبه چله نشین مسجد گوه‌رشاد شده و دیگری باید برای ادای قرض پدرش، چهل روایت از تذکره عطار را به خط خوش بنویسد. میرعماد انگار که باید قرض تمام مردمان را ادا کند، اول پدرش حالا هم ادیرس. او جوان خوش آتیه‌ای ست که از کشاورزی که پیشه پدر و گردانش بوده گرفته، به تشویق استادش قلم به دست گرفته و جانش را با پیچ و خم واژه‌ها و حروف صیقل داده و حالا امیدوار است تا در دم ودستگاه حکومت جایگاهی پیدا کند.او اصل جهان ما و جهان عارفان است. دیدن ادیرس و نوشتن از او چیز کمی نیست، میرعماد همان کاتبی ست که از سیر و سلوک خالصانه عارفان می‌نویسد و جوهر انسانی خود را تا پایان داستان حفظ می‌کند. انسان همواره شکاک است و کمی طول می‌کشد تا میرعماد ادیرس را باور کند و از ظلیعه توبه‌اش بنویسد. ادیرس برخلاف میرعماد گذشته‌ای ندارد و از همین روی شاید بتوان به گمنامی عارفان اشاره داشت. او مأمور تنظیمه است، در یکی از سرکشی‌های دشت چاشمش مشکي گل نسا دل می‌بندد و تمام رویایش به دست آوردن او می‌شود. کارها خوب پیش می‌رود، آن طور که خود ادیرس هم فکرش را نمی‌کند. او از تمام امتحاناتی که گل نسا و خواهرش برای آزمون رسانی و درستی‌اش ترتیب می‌دهند، سپربلند بیرون می‌آید. ادیرس دل از دست داده، عاشقی را با گل نسا آغاز می‌کند. عشق زرمینی راه به آسمان پیدا می‌کند و نشانه هایش کم کم هویدا می‌شود. از چهل گلبرگ گل سرخ بگیر تا چهل مهره ی عقیق. چهل ماهی قرمز. گل نسا پال های

اگر کتاب «روضه‌الشهدا» سراسر دروغ است؛

در این صورت رمز دواورده است. از وقتی که این کتاب در دست و بال‌ها افتاد، دیگر کسی تاریخ واقعی امام حسین را مطالعه نکرده و شد افسانه‌سازی روضه‌الشهدا خواندن. ما شدیم روضه‌خوان؛ یعنی روضه‌الشهدا خوان؛ یعنی افسانه‌ها را نقل کردن و به تاریخ امام حسین توجه نکردند.»

پاسخی به انتقادات

این نظرات از البتہ در فضای منبر و هنگام سخنرانی بوده و تمام نیاز به تحقیق و اثبات دارد، به دلیل نشناختن دقیق کتاب و هدف آن است؛ زیرا روضه‌الشهدا کتاب تاریخ صرف و مستند تاریخی قابل ارجاع مولفان نیست. کتابی ادبی از نوع قابل تاریخی است. دکتر رسول جعفریان سبک کتاب را ترکیبی از قصه و تاریخ دانسته و می‌نویسد: «بی‌شبهه داستان‌های دروغینی در روضه‌الشهدا وجود دارد که سبب شده تا این کتاب بی‌په‌ره از اعتبار علمی باشد. لذا تلقی روضه‌الشهدا نه به عنوان یک کتاب تاریخی، بلکه باید به عنوان یک اثر ادبی و رمان تاریخی مطرح شود.» هدف کتاب برانگیختن احساسات مذهبی است و نوع کتاب نیز از سنخ مجلس‌گویی و معظه است؛ بنابراین نقل دقیق منابع در این‌گونه کتاب‌ها نه رسم بوده و نه هدف مولف تا بتوان آن را ارزیابی کرد اما کاشفی که دانشمندی برجسته است به برخی از مآخذ خود اشاره می‌کند. این منابع به گواهی افندی غیر مشهور و نامعتبر است. نوع نقل روایات در کتاب سه‌گونه است:

نقد شهید مطهری

استاد مرتضی مطهری به تاثیر از کتاب «تاریخ عاشورا» و کتاب «لولو مرجان» نوری در سال ۱۳۴۸، چهار سیرت‌کردی در تحریفات عاشورا در حسینیه ارشاد ایراد کرد که بعدها با افزودهایی در کتاب «حماسه حسینی» در مجموعه آثار وی چاپ شد. استاد مطهری کتاب «روضه‌الشهدا» را پر از دروغ و تحریف و نشر این کتاب را مانع مراجعه به منابع اصلی و مطالعه تاریخ واقعی امام حسین (ع) دانسته است. وی می‌نویسد: «ملاَحسین کاشفی مردی است که واعظ هم هست، اتفاقاً این بی‌انصاف مرد باسوادی هم بوده است، کتاب‌هایی هم دارد، صاحب انوار سهیلی [است] که خیلی عبارت پردازی کرده و می‌گویند کلمه و دمنه را از خراب کرده است.»

به هر حال مرد باسوادی بوده است. تاریخش را که انسان می‌خواند، معلوم نیست که او شیعه بوده یا سنی و مثل این‌ها که اساساً یک مرد بوقلمون صفتی هم بوده است، در

میان شیعه‌ها خودش را یک شیعه صد درصد متصلی نشان می‌داده و در میان سنی‌ها خودش را حنفی نشان می‌داده است. اصلا اهل بیبهق و سبزوآر است. سبزوآر مرکز تشیع بوده است و مردم آن هم فوق العاده متعصب در تشیع. اینجا که در میان سبزوآری‌ها بود، یک شیعه صد درصد شیعه بود. بعد می‌رفت هرات. (می‌گویند شوه‌ر خواهر عبدالرحمن جامی یا بانجانق او بود). آنجا که می‌رفت، به روش اهل تسنن بود. من نمی‌دانم این بی‌انصاف چه کرده است. من وقتی این کتاب را خواندم، دیدم حتی اسم‌ها جعلی است، یعنی در میان اصحاب امام حسین اسم‌هایی را می‌آورد که اصلاً چنین آدم‌هایی وجود نداشته‌اند، در میان دشمن‌ها اسم‌هایی می‌برد که همه جعلی است، داستان‌ها را به شکل

به هر حال مرد باسوادی بوده است. تاریخش را که انسان می‌خواند، معلوم نیست که او شیعه بوده یا سنی و مثل این‌ها که اساساً یک مرد بوقلمون صفتی هم بوده است، در میان شیعه‌ها خودش را یک شیعه صد درصد متصلی نشان می‌داده و در میان سنی‌ها خودش را حنفی نشان می‌داده است. اصلا اهل بیبهق و سبزوآر است. سبزوآر مرکز تشیع بوده است و مردم آن هم فوق العاده متعصب در تشیع. اینجا که در میان سبزوآری‌ها بود، یک شیعه صد درصد شیعه بود. بعد می‌رفت هرات. (می‌گویند شوه‌ر خواهر عبدالرحمن جامی یا بانجانق او بود). آنجا که می‌رفت، به روش اهل تسنن بود. من نمی‌دانم این بی‌انصاف چه کرده است. من وقتی این کتاب را خواندم، دیدم حتی اسم‌ها جعلی است، یعنی در میان اصحاب امام حسین اسم‌هایی را می‌آورد که اصلاً چنین آدم‌هایی وجود نداشته‌اند، در میان دشمن‌ها اسم‌هایی می‌برد که همه جعلی است، داستان‌ها را به شکل

به هر حال مرد باسوادی بوده است. تاریخش را که انسان می‌خواند، معلوم نیست که او شیعه بوده یا سنی و مثل این‌ها که اساساً یک مرد بوقلمون صفتی هم بوده است، در میان شیعه‌ها خودش را یک شیعه صد درصد متصلی نشان می‌داده و در میان سنی‌ها خودش را حنفی نشان می‌داده است. اصلا اهل بیبهق و سبزوآر است. سبزوآر مرکز تشیع بوده است و مردم آن هم فوق العاده متعصب در تشیع. اینجا که در میان سبزوآری‌ها بود، یک شیعه صد درصد شیعه بود. بعد می‌رفت هرات. (می‌گویند شوه‌ر خواهر عبدالرحمن جامی یا بانجانق او بود). آنجا که می‌رفت، به روش اهل تسنن بود. من نمی‌دانم این بی‌انصاف چه کرده است. من وقتی این کتاب را خواندم، دیدم حتی اسم‌ها جعلی است، یعنی در میان اصحاب امام حسین اسم‌هایی را می‌آورد که اصلاً چنین آدم‌هایی وجود نداشته‌اند، در میان دشمن‌ها اسم‌هایی می‌برد که همه جعلی است، داستان‌ها را به شکل

به هر حال مرد باسوادی بوده است. تاریخش را که انسان می‌خواند، معلوم نیست که او شیعه بوده یا سنی و مثل این‌ها که اساساً یک مرد بوقلمون صفتی هم بوده است، در میان شیعه‌ها خودش را یک شیعه صد درصد متصلی نشان می‌داده و در میان سنی‌ها خودش را حنفی نشان می‌داده است. اصلا اهل بیبهق و سبزوآر است. سبزوآر مرکز تشیع بوده است و مردم آن هم فوق العاده متعصب در تشیع. اینجا که در میان سبزوآری‌ها بود، یک شیعه صد درصد شیعه بود. بعد می‌رفت هرات. (می‌گویند شوه‌ر خواهر عبدالرحمن جامی یا بانجانق او بود). آنجا که می‌رفت، به روش اهل تسنن بود. من نمی‌دانم این بی‌انصاف چه کرده است. من وقتی این کتاب را خواندم، دیدم حتی اسم‌ها جعلی است، یعنی در میان اصحاب امام حسین اسم‌هایی را می‌آورد که اصلاً چنین آدم‌هایی وجود نداشته‌اند، در میان دشمن‌ها اسم‌هایی می‌برد که همه جعلی است، داستان‌ها را به شکل

دلایلی برای یک ماندگاری پنج قرنی؛

آیا روایت‌های «روضه‌الشهدا» مجعول است؟

اگر کتاب «روضه‌الشهدا» سراسر دروغ است؛ در این صورت رمز دواورده است. از وقتی که این کتاب در دست و بال‌ها افتاد، دیگر کسی تاریخ واقعی امام حسین را مطالعه نکرده و شد افسانه‌سازی روضه‌الشهدا خواندن. ما شدیم روضه‌خوان؛ یعنی روضه‌الشهدا خوان؛ یعنی افسانه‌ها را نقل کردن و به تاریخ امام حسین توجه نکردند.»

پاسخی به انتقادات

این نظرات از البتہ در فضای منبر و هنگام سخنرانی بوده و تمام نیاز به تحقیق و اثبات دارد، به دلیل نشناختن دقیق کتاب و هدف آن است؛ زیرا روضه‌الشهدا کتاب تاریخ صرف و مستند تاریخی قابل ارجاع مولفان نیست. کتابی ادبی از نوع قابل تاریخی است. دکتر رسول جعفریان سبک کتاب را ترکیبی از قصه و تاریخ دانسته و می‌نویسد: «بی‌شبهه داستان‌های دروغینی در روضه‌الشهدا وجود دارد که سبب شده تا این کتاب بی‌په‌ره از اعتبار علمی باشد. لذا تلقی روضه‌الشهدا نه به عنوان یک کتاب تاریخی، بلکه باید به عنوان یک اثر ادبی و رمان تاریخی مطرح شود.» هدف کتاب برانگیختن احساسات مذهبی است و نوع کتاب نیز از سنخ مجلس‌گویی و معظه است؛ بنابراین نقل دقیق منابع در این‌گونه کتاب‌ها نه رسم بوده و نه هدف مولف تا بتوان آن را ارزیابی کرد اما کاشفی که دانشمندی برجسته است به برخی از مآخذ خود اشاره می‌کند. این منابع به گواهی افندی غیر مشهور و نامعتبر است. نوع نقل روایات در کتاب سه‌گونه است:

افسانه درآورده است. از وقتی که این کتاب در دست و بال‌ها افتاد، دیگر کسی تاریخ واقعی امام حسین را مطالعه نکرده و شد افسانه‌سازی روضه‌الشهدا خواندن. ما شدیم روضه‌خوان؛ یعنی روضه‌الشهدا خوان؛ یعنی افسانه‌ها را نقل کردن و به تاریخ امام حسین توجه نکردند.»

استاد مرتضی مطهری به تاثیر از کتاب «تاریخ عاشورا» و کتاب «لولو مرجان» نوری در سال ۱۳۴۸، چهار سیرت‌کردی در تحریفات عاشورا در حسینیه ارشاد ایراد کرد که بعدها با افزودهایی در کتاب «حماسه حسینی» در مجموعه آثار وی چاپ شد. استاد مطهری کتاب «روضه‌الشهدا» را پر از دروغ و تحریف و نشر این کتاب را مانع مراجعه به منابع اصلی و مطالعه تاریخ واقعی امام حسین (ع) دانسته است. وی می‌نویسد: «ملاَحسین کاشفی مردی است که واعظ هم هست، اتفاقاً این بی‌انصاف مرد باسوادی هم بوده است، کتاب‌هایی هم دارد، صاحب انوار سهیلی [است] که خیلی عبارت پردازی کرده و می‌گویند کلمه و دمنه را از خراب کرده است.»

گروه دوم: ارجاعات مهمی مثل «اهل تاریخ بر آنند که «و در بعضی از تواریخ مذکور است که…»، «در بعضی از تفاسیر آمده»، «در بعضی کتب معتبره مذکور است که…»، «آورد‌ه‌اند که…»، «راوی گوید». تعبیر راوی گوید نسبتاً فراوان است. امروزه نیز در سنت روضه خوانی این تعبیر بسیار به کار می‌رود. گروه سوم: مواردی که بین دو نقل مختلف قضاوت می‌کند؛ مثل «اینجا به نقل اشهر از کتب معتبر ایراد کرده می‌شود»، «ارویان صادق اروپاوه و مخبران ظاهر الدرایه آورده‌اند که…»، «به صحت رسید»؛ «وقل اصح ان است که…».

گروه چهارم: مواردی که به نام کتاب اشاره می‌شود. دکتر رسول جعفریان به تفصیل این دسته از منابع کتاب را معرفی می‌کند. در متن مصحح نیز مآخذ بسیاری از داستان‌ها ذکر شده است؛ اما از آنجا که راوی برای تاثیر گذاری بر مخاطب با سبک روایی — داستانی، کوشیده رماتی تاریخی بی‌آفریند. ما هیچگاه رمان نویسان تاریخی را جاعل تاریخ نمی‌دانیم، از آنکهو باید از منتقدان آگاهی پرسید: کتاب سراسر دروغ است؛ در این صورت رمز دواوم و بقای آن در فرهنگ شیعی و طی پانصد سال چیست و چرا عموم مردم و اهل منبر همچنان در روضه‌خوانی‌ها از آن استفاده می‌کنند؟ شاید دلیل عمده آن نثر شیوا و گیرا و سبک قلمه‌ای — تاریخی این کتاب باشد.

اگر کتاب «روضه‌الشهدا» سراسر دروغ است؛

در این صورت رمز دواورده است. از وقتی که این کتاب در دست و بال‌ها افتاد، دیگر کسی تاریخ واقعی امام حسین را مطالعه نکرده و شد افسانه‌سازی روضه‌الشهدا خواندن. ما شدیم روضه‌خوان؛ یعنی روضه‌الشهدا خوان؛ یعنی افسانه‌ها را نقل کردن و به تاریخ امام حسین توجه نکردند.»

استاد مرتضی مطهری به تاثیر از کتاب «تاریخ عاشورا» و کتاب «لولو مرجان» نوری در سال ۱۳۴۸، چهار سیرت‌کردی در تحریفات عاشورا در حسینیه ارشاد ایراد کرد که بعدها با افزودهایی در کتاب «حماسه حسینی» در مجموعه آثار وی چاپ شد. استاد مطهری کتاب «روضه‌الشهدا» را پر از دروغ و تحریف و نشر این کتاب را مانع مراجعه به منابع اصلی و مطالعه تاریخ واقعی امام حسین (ع) دانسته است. وی می‌نویسد: «ملاَحسین کاشفی مردی است که واعظ هم هست، اتفاقاً این بی‌انصاف مرد باسوادی هم بوده است، کتاب‌هایی هم دارد، صاحب انوار سهیلی [است] که خیلی عبارت پردازی کرده و می‌گویند کلمه و دمنه را از خراب کرده است.»

گروه چهارم: مواردی که به نام کتاب اشاره می‌شود. دکتر رسول جعفریان به تفصیل این دسته از منابع کتاب را معرفی می‌کند. در متن مصحح نیز مآخذ بسیاری از داستان‌ها ذکر شده است؛ اما از آنجا که راوی برای تاثیر گذاری بر مخاطب با سبک روایی — داستانی، کوشیده رماتی تاریخی بی‌آفریند. ما هیچگاه رمان نویسان تاریخی را جاعل تاریخ نمی‌دانیم، از آنکهو باید از منتقدان آگاهی پرسید: کتاب سراسر دروغ است؛ در این صورت رمز دواوم و بقای آن در فرهنگ شیعی و طی پانصد سال چیست و چرا عموم مردم و اهل منبر همچنان در روضه‌خوانی‌ها از آن استفاده می‌کنند؟ شاید دلیل عمده آن نثر شیوا و گیرا و سبک قلمه‌ای — تاریخی این کتاب باشد.

اخبار

ثبات وضعیت فعلی بازار کاغذ به ادامه حیات بازار نشر می‌انجامد

مدیر انتشارات شباهنگ معتقد است اگر وضعیت بازار کاغذ به همین‌شکل باقی بماند، می‌توان به ادامه حیات چاپ کتاب و بازار نشر امیدوار بود. قاسم احمدزاده گفت: تمام ناشرینی که این‌روزها مشغول کار چاپ کتاب هستند، از ارشاد کاغذ می‌گیرند. و اگر غیر از این باشد، تولید کتاب، بین ۳۰ تا ۴۰ درصدافت خواهد کرد. چون بسیاری از ناشران نمی‌توانند با قیمت آزاد کاغذ بخرند.وی افزود: در حال حاضر کتاب‌ها با شمارگان عمومی ۵۰۰ تا ۲ هزار نسخه چاپ می‌شوند که ۱۰۰ نسخه‌شان وارد شبکه پخش‌های می‌شود و باقی‌شان در انبار می‌مانند تا به مرور، تا سال آینده به فروش برسند. البته برخی کتاب‌ها هستند که خوب تیراژ می‌خورند و به‌طور مرتب چاپ می‌شوند که نمی‌توان به آن‌ها تکیه کرد. این کتاب‌ها، جدا از موارد استثنا هستند که خرج یک‌ناشر را تامین می‌کنند. اما همه ناشران به این‌شکل نیستند و فقط چند ناشر داریم که عناوین مشهور و بفروش دارند. مدیر انتشارات شباهنگ در ادامه گفت: اگر بخواهیم کاغذ را با قیمت از نیمایی بخریم، وضعیت وحشتناکی به وجود می‌آید چون نقدینگی ما ناشران به از صورت نیست که از پس چنان‌شرایطی برمیاییم. در حال حاضر تعاونی ناشران کاغذ دولتی می‌دهد که به‌طور مرتب آن را دریافت و هزینه‌اش را تسویه می‌کنیم. چنین‌وضعی ما را تشویق می‌کند کار را ادامه بدهیم چون قیمت فعلی این کاغذ متناسب است و زیاد به نقدینگی ناشران فشار نمی‌آورد. در حال حاضر کاغذ را بندی ۱۲۰ هزار تومان می‌خریم و قیمت بیرون آن، ۲۵۰ هزار تومان است اما اگر پای ارز نیمایی به این‌ماجرایا شود، قیمت به بندی ۲۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان می‌رسد. در نتیجه چاپ یک کتاب ۲ هزار تیراژی، برای یک‌ناشر ۱۰۰ میلیون زیان کاغذ دارد. احمدزاده درباره این‌که آیا قیمت کاغذ به ۸۰۰ هزار تومان خواهد رسید، گفت: راستش این‌مساله تا به حال در حد شایعه بوده اما قیمت کاغذ بالا رفته است اما کافی است که این‌شایعه کمی نقدینقه‌تر شود و بخواهد رنگ واقعیت به خود بگیرد. وی گفت: در حال حاضر کاغذ دولتی، کمک بزرگی به ناشران است. کمترین فایده‌اش این است که باعث می‌شود پرسنل و نیروهای یک‌ناشر تعطیل و بی‌کار نشوند. یعنی هرطور که هست چرخ نشر کشور دارد گزدار و مریض می‌چرخد. بعضی از ناشران قدرت و توانایی زیادی دارند و می‌توانند تحت هر شرایطی کار کنند اما همه این‌طور نیستند. اما این کاغذ دولتی برای آن ناشران بزرگ هم کمک است چون به‌خاطر تولیدات بیشترشان، کاغذ بیشتری می‌گیرند و همه کاغذ را به تبدیل به کتاب می‌کنند. همین‌مساله باعث می‌شود صحاف کار کنند، چاپخانه‌ها کار کنند، لیتوگراف کار کنند و همه مشغول باشند. همان‌طور که می‌دانید کاغذ از چاپخانه‌ها تعطیل شده‌اند. این ناشر در پایان گفت: بنابراین اگر کاغذ دولتی نباشند، همه گروه‌های مرتبط با کار کتاب، ناچارند کار را تعطیل کنند. بنابراین خوشحال می‌شوم اگر وضعیت به همین‌شکل بماند تا کار ادامه پیدا کند.

تجمع تعدادی از اعضای کتابخانه ملی در اعتراض به تعطیلی این نهاد

تعدادی از اعضای کتابخانه ملی جلوی درب ورودی این سازمان تجمع کرده و خواستار بازگشایی کتابخانه ملی شدند.تجمع کنندگان عمدتاً دانشجویان مقطع دکتری و پژوهشگر هستند و به باور آنها می‌توان با رعایت پروتکل‌های بهداشتی از امکانات کتابخانه ملی استفاده کرد.اعتراض عمده تجمع کنندگان این است که چرا طی ۶ ماه گذشته کتابخانه ملی عمدتاً تعطیل بوده اما مراکز دولتی دیگر کماکان به فعالیت خود ادامه داده و به خدمت رسانی به ارباب رجوع ادامه می‌دانند؟ در بخش‌هایی از نامه اعتراضی این طیف می‌خوانیم: «در ماه‌های اخیر کتابخانه ملی متناوبا و بنا بر دستور معاونت کتابخانه ملی به تعطیلی گذاشته شده است. متأسفانه در چند ماه گذشته مدیران مجموعه برای بازگشایی این نهاد مهم علمی تلاشی درخور انجام ندادند و گویا تعطیلی‌ها با دریافت حقوق کامل از مالیات مردم بدون خدمت‌رسانی به ارباب رجوع عده‌ای بوده است. این اقدامات در حالی صورت گرفته است که تمامی مراکز خرید، پاساژها، مترو و اتوبوس و دیگر مراکز خدمت‌رسانی و ادارات و نهادهای سایر اماکن که ریسکشان خیلی بیشتر از کتابخانه ملی هستند از چندین ماه قبل دایر بوده و به ارباب رجوع خدمت‌رسانی می‌کنند.»

نمی‌توان دالاهو را با قطعیت به‌عنوان شهر ملی تبیور معرفی کرد

ویدا توحدی مدیرکل دفتر توسعه و ترویج صنایع‌دستی وزارت میراث‌فرهنگی با اشاره به برگزاری جلسات چهارمین شورای راهبردی انتخاب شهرها و روستاهای ملی صنایع‌دستی گفت: «در این جلسات که در محل عمارت تاریخی کوشک تهران، (دفتر منطقه‌ای غروب آسیای شورای جهانی صنایع‌دستی) برگزار می‌شود، تاکنون پرونده بیش از ۳۰ شهر و روستای ملی بررسی شده است که یکی از آن‌ها پرونده شهر دالاهو است.»

وی افزود: «این پرونده مانند سایر پرونده‌های مطرح شد، در جلسات چهارمین شورای راهبردی انتخاب شهرها و روستاهای ملی صنایع‌دستی، در حال بررسی نهایی است و نتایج این جلسات از سوی علی‌اصغر مؤسسی وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی اعلام خواهد شد.»

توحدی با بیان این که انتخاب شهرها و روستاهای ملی صنایع‌دستی بر اساس یک فرآیند قانونی و بر اساس نظر داوران صورت‌انجام می‌شود، اضافه کرد: «آخرین جلسه چهارمین شورای راهبردی انتخاب شهرها و روستاهای ملی صنایع‌دستی، ۱۷ شهریور در محل عمارت تاریخی کوشک در تهران برگزار خواهد شد و بعد از بررسی نهایی پرونده‌ها از آخرین امتحان، انتخاب توسط داوران عضو هیئت در فرست مقتمتی ارسال و از سوی وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی اعلام می‌شود.»